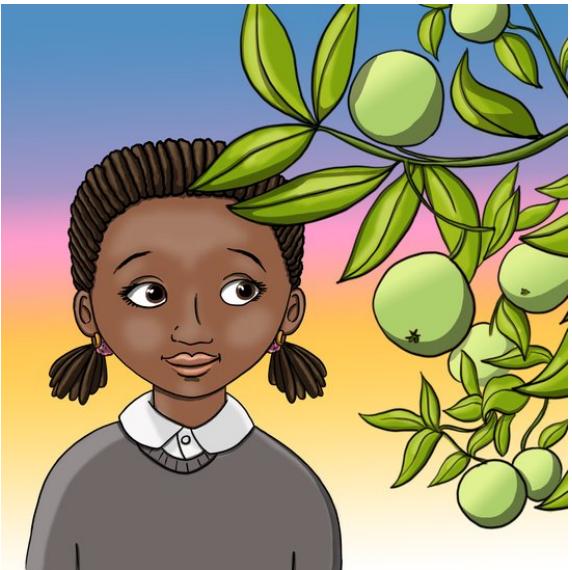


کالای با گیاهان صحبت می‌کند



✎ Ursula Nafula

✑ Jesse Pietersen

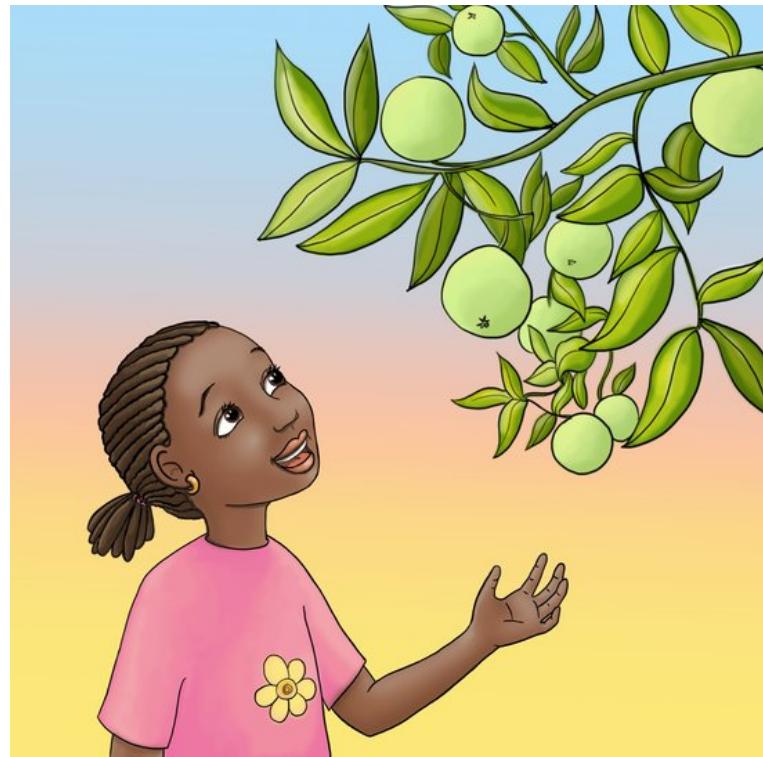
☞ Marzieh Mohammadian Haghghi

|||| 2

💬 فارسی fa

اين گلای آست. او هفت ندل سِن دارَد. دَر زَین لَبْجَوْسو كَه زَین
او می‌بَشَد مَعْدِي إِسْمَش - دُخَّتِرِ خَوب - آست.



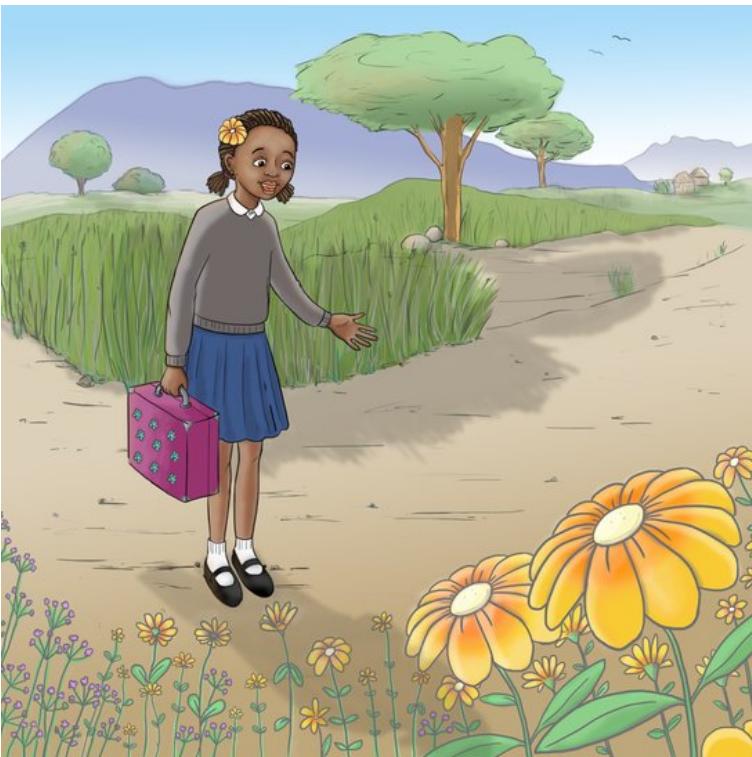


کلای هَر روز صُبح کِه بیدار می شَوَدْجِ درَختِ پُرِتَّقلِ صُحبَت
می گَنَد. درَختِ پُرِتَّقل لُطَفَه، حِلَبَیِ رُشَدَ کُن وَ بِه هُرِتَّقلِ هِی
رسِیدهِ خوب بِدِه.

کلای ڏ مَدِرِسَه راه می رَوَد. دَر را هِدَ عَلَف هَ صُحبَت مَنْد. عَلَف
ه، لُطَهَ بِيَشَّتَر رُشَد گَنْيَد وَ سَبَز شَوَيد وَ خُشَك نَشَوَيد.



کلای از کِلرِ گُل هی وَحشی رَد می شَوَد. گُلهِی وَحشی لُطَه، مُرَتب
شِکوِفه بِزَنید که مَن بِتَوَانَم شَه را دَر موْهَبَم قَرَار دَهَم.





در مَدْرِسَه، گلای بِدِرَختی کِه در وَسَطِ حَيَّط بود صُحبَت گَرد.
”دِرَخت لُطَفَه، نَلَخِه هِي بُزُرَگ بِرَوَيْن لَه بِتَوَانِيم زِير لَهِيهِي تو
دَرَس بِخَوَانِيم.“

كلاي بـ حـضرـ اـطـرافـ مـدرـسـهـ صـحبـتـ مـىـ گـنـدـ. لـطـهـ مـحـکـمـ وـ قـوىـ
رـشـدـ گـنـ وـ جـلوـيـ وـارـدـ شـدـنـ آـفـرادـ بـدـ رـاـ بـگـيرـ.



وقتی کلای از مدرِسَه بِه ذَنْبَه بَرَگَشَت، دِرَختِ پُرِتَّهَل را دید. کلای پُرسید، “لَيْ پُرِتَّهَل هَيَّتْ هَنُوزْ نَرَسِيدَه؟”





كلاي آهي كشيد و گفت، “پر تقل ه هنوز سبز هستند.” كلاي گفت،
“فردا تو را خواهم دید درخت پر تقل.” “لديد بعد تو پك پر تقل
رسيده براي من داشته بشى！”



Global Storybooks

globalstorybooks.net

کالای با گیاهان صحبت می‌کند

✎ Ursula Nafula

☞ Jesse Pietersen

☞ Marzieh Mohammadian Haghghi

